



مای دریس

درس دوم: از آموختن، ننگ مدار

۱- تا توانی از نیکی کردن میاسا و خود را به نیکی و نیکوکاری به مردم نمای و چون نمودی به خلاف نموده باش: قلمرو زبانی: میاسا: توقف مکن، دست بر ندار / نمودن: نشان دادن / چون: هنگامی که / نموده: نشان داده، قلمرو فکری: تا می توانی به مردم نیکی کن و این روش را هرگز ترک نکن. خودت را فردی نیکوکار به مردم معرفی کن و برخلاف آنچه که خود را نشان دادی، رفتار نکن.

۲- به زبان، دیگر مگو و به دل دیگر روا مدار تا گندم نمای جو فروش نباشی.

قلمرو ادبی: گندم نمای جو فروش: کنایه از دورویی و فریب / گندم نمای جو فروش مباش: مثل / داد از چیزی دادن: کنایه از حق آن را ادا کردن
قلمرو فکری: سخن در دل و زبانت یکی باشد تا دورو و فریبکار شناخته نشوی .

۳- اندر همه کاری داد از خویشتن بده، که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی است.

قلمرو زبانی: اندر: در / داد: حق / که: زیرا (اولی) - که: هر کس (دومی)
قلمرو ادبی: که - که: جناس همسان / داد از چیزی دادن: حق آن را ادا کردن
قلمرو فکری: در همه کارهای خود به عدالت و انصاف رفتار کن؛ زیرا هر کس در کارهایش به عدالت و انصاف رفتار کند، به قضاوت دیگران نیاز پیدا نمی‌کند.

۴- اگر غم و شادیت بُود، به آن کس گوی که او تیمار غم و شادی تو دارد . و اثر غم و شادی پیش مردمان، بر خود پیدا مکن .

قلمرو زبانی: تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت / تیمار داشتن: پرستاری و خدمت کردن / پیدا کردن: آشکار کردن
قلمرو ادبی: غم و شادی: تضاد
قلمرو فکری: اگر غم و شادی در دل داشته باشی، آن را به کسی بگو که در غم ها و شادی ها به فکر تو باشد. و سعی کن پیش مردم آثار غم و شادی در چهره ات مشخص نباشد.

۵- به هر نیک و بد، زود شادان و زود اندوهگین مشو، که این ، فعل کودکان باشد.

قلمرو ادبی: نیک و بد، شادان و اندوهگین: تضاد
قلمرو فکری: بعد از هر اتفاق خوب یا بد، زود شاد یا ناراحت نشو؛ زیرا این رفتار، مخصوص کودکان است.

۶- بدان کوش که به هر محالی از حال و نهاد خویش بنگردی، که بزرگان به هر حق و باطلی از جای نشوند .

قلمرو زبانی: محال: ناممکن، اندیشه باطل / نهاد: ذات / بنگردی: عوض نشوی
قلمرو ادبی: از جای شدن: کنایه از عصبانیت / حق و باطل: تضاد
قلمرو فکری: تلاش کن که طبیعت و سرشت تو در کارهای دشوار و ناممکن تغییر نکند. (شخصیت واقعی تو تغییر نکند و آشفته نشوی)؛ زیرا انسان‌های بزرگ در اوضاع و حالات مختلف دگرگون و متغیر نمی‌شوند .

۷- هر شادی که بازگشت آن به غم است ، آن را شادی مشمر . و به وقت نومییدی امیدوارتر باش و نومییدی را در امید، بسته دان و امید را در نومییدی .

قلمرو زبانی: شمردن: به حساب آوردن / نومیید: ناامید / بسته دان: مرتبط دانستن، وابسته دانستن
قلمرو ادبی: امید و نومییدی: تضاد

قلمرو فکری: و به هنگام ناامیدی سعی کن بیشتر امیدوار باشی و بدان که همیشه ناامیدی و امیدواری به هم وابسته و متصل هستند. (پس از ناامیدی، امید هست و پس از هر امید، ممکن است ناامیدی به وجود بیاید.)

۱۰- رنج هیچ کس ضایع مکن و همه کس را به سزا، حق شناس باش؛ خاصه قرابت خویش را؛ چندان که طاقت باشد با ایشان نیکی کن.

قلمرو زبانی: ضایع: تباه، تلف / سزا: شایسته / خاصه: به ویژه / قرابت خویش: خویشاوند
قلمرو فکری: سعی و تلاش افراد را نادیده بگیر و به شکل شایسته قدرتان زحمات همه انسان ها به ویژه خویشاوندان خود باش. و تا جایی که توان داری به خویشاوندان خوبی کن.

۱۱- و پیران قبیله خویش را حرمت دار و لیکن به ایشان مولع مباش تا همچنان که هنر ایشان همی بینی، عیب نیز بتوانی دید. و اگر از بیگانه نایمن شوی، زود به مقدار نایمینی، خویش را از وی ایمن گردان.

قلمرو زبانی: پیران: بزرگان، ریش سفیدان / حرمت دار: احترام بگذار / مولع: بسیار مشتاق / ایمن گرداندن: در امان بودن

قلمرو ادبی: هنر و عیب؛ نایمن و ایمن: تضاد

قلمرو فکری: به بزرگسالان اقوام خود احترام بگذار اما زیاد شیفته و مجذوب آنها نباش (وابستگی فکری پیدا نکن) تا همان طور که دانش و فضیلت آن ها را می بینی، عیب و نواقص شخصیتی های آن ها را نیز ببینی. و اگر از کسی احساس ناامنی کردی، زود به اندازه‌ی خطر به وجود آمده، خودت را از او در امان نگهدار [تا به تو آسیب نرساند]

۱۲- از آموختن، ننگ مدار تا از ننگ رسته باشی.

قلمرو زبانی: آموختن: یاد گرفتن / ننگ: شرمساری / رسته: نجات یافته
قلمرو فکری: هیچ گاه از آموختن و یادگیری احساس شرم نکن تا از سرافکنده‌گی نادانی رهایی یابی.

مای دارس

گروه آموزشی عصر

www.my-dars.ir